



نظریه تفسیری عالمان اسلام بر روش عقلایی و متعارف فهم مبتنی است

برخی از رویکردهای جدید و نوظهور هرمنوتیکی در دنیای غرب از روش معهود و عقلایی تفهیم و تفاهم فاصله می‌گیرند و فلسفه تکوین زبان و تفهیم و تفاهم عقلایی را زیر سؤال می‌برند؛ حال آن‌که رویکرد سنتی و متداول در نظریه تفسیری عالمان مسلمان، روش عقلایی، قابل دفاع و متعارف فهم متن است.

برخی از رویکردهای جدید و نوظهور هرمنوتیکی در دنیای غرب از روش معهود و عقلایی تفهیم و تفاهم فاصله می‌گیرند و فلسفه تکوین زبان و تفهیم و تفاهم عقلایی را زیر سؤال می‌برند؛ حال آن‌که رویکرد سنتی و متداول در نظریه تفسیری عالمان مسلمان، روش عقلایی، قابل دفاع و متعارف فهم متن است.

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد واعظی، رئیس دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به بیان سخنانی درباره انواع تلقی‌های موجود از هرمنوتیک، سابقه مباحث فهم متن در دنیای اسلام و فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی ورود مباحث هرمنوتیک به دنیای اسلام (به‌ویژه حوزه تفسیر و علوم قرآنی) پرداخت.

وی اظهار کرد: هرمنوتیک به مثابه یک شاخه دانش (hermeneutic as a science) که معطوف به تنقیح قواعد و اصول فهم و تفسیر است، از گذشته‌های دور، در میان اندیشمندان مسلمان از جمله در دانش علم اصول فقه و همچنین در مقدمات تفسیر و برخی مباحث کلامی، مشهود است؛ اگرچه در دنیای اسلام این مباحث نه با عنوان هرمنوتیک، بلکه تحت عنوان مقدمات تفسیر، علم اصول و مانند آن مطرح بوده است.

حجت‌الاسلام واعظی ادامه داد: رویکردی که با ممشا و مختار عالمان ما در مقوله تفسیر متن ناسازگار و چالش‌آفرین است، هرمنوتیک فلسفی است. برخی از نحله‌های هرمنوتیک فلسفی گونه‌ای دیگر به مقوله تفسیر نگاه می‌کنند و دیدگاه‌های آنان در باب مسائلی چون عینی یا نسبی بودن فهم، فهم و افق ذهنی و پیش‌دانسته‌های مفسر، سهم مفسر در تفسیر، مؤلف محوری یا مفسر محوری و ... ارکان نظریه تفسیری ما را به چالش می‌کشد و از این جهت یک تهدید محسوب می‌شود.

وی بیان کرد: این چالش می‌تواند برای ما یک فرصت نیز باشد و ما در مواجهه با نظریه‌های تفسیری جدید غربی، که به نوعی نظریه تفسیری ما را به چالش می‌کشد، طبعاً می‌کوشیم تا نظریه تفسیری خود را منقح‌تر، مدون‌تر و مستدل‌تر عرضه کنیم و در مقابل نگرش‌های رقیب، موضع انتقادی مناسب آن را بگیریم و در نقاط قوت و ضعف دیدگاه آنها مذاقه و ضعف‌ها و کاستی‌های آنها را بر ملا کنیم.

به اعتقاد ما نحله‌های «reader-response;171#» مخصوصاً آنهایی که نگاه افراطی به نقش خواننده دارند و به خواننده در فهم متن محوریت می‌دهند، از روش معهود و عقلایی تفهیم و تفاهم فاصله می‌گیرند و فلسفه تکوین زبان و تفهیم و تفاهم عقلایی را به نوعی زیر سؤال می‌برند.

این محقق و پژوهشگر تصریح کرد: مباحث هرمنوتیک، مخصوصاً هرمنوتیک فلسفی در جهان اسلام از حدود سال 1981 به بعد وارد فضای فکری متفکرین مسلمان می‌شود. نصر حامد ابوزید اندیشمند مصری در همان سال مقاله‌ای در مباحث هرمنوتیکی نگاشت و کم‌کم این واژه مطرح شد و در کشور ما نیز آقای مجتهد شبستری کتاب ««هرمنوتیک، کتاب و سنت» و آقای سروش ««قبض و بسط تئوریک شریعت» را نوشتند. همچنین مقالاتی در این زمینه نیز از سوی برخی از افراد دیگر به نگارش درآمد و بنده نیز کتاب ««درآمدی بر هرمنوتیک» را نوشتم.

نویسنده کتاب ««درآمدی بر هرمنوتیک» در توضیح این مطلب بیان کرد: بنابراین می‌توان گفت این مباحث در فضای تفکر مسلمانان شاید حدود 30 سال است که رواج و قدمت دارد و در این 30 سال، مباحثی از دست که به‌ویژه در کشور ما مطرح شد، آشکارا منبعث از مباحث هرمنوتیک فلسفی است و آقای مجتهد شبستری با وضوح و روشنی بیشتری مرجعیت مباحث هرمنوتیکی غربی را در اندیشه خود مطرح می‌کند.

وی ادامه داد: هرچند آقای سروش کمتر نامی از هرمنوتیک به میان می‌آورد، اما ترمینولوژی، اصطلاحات و واژگانی که به کار می‌برد و نیز فضای بحث او دقیقاً همان فضای بحثی است که نوعاً در هرمنوتیک فلسفی مطرح است. بحث‌هایی که در زمینه هرمنوتیک از سوی نواندیشان مطرح شده، در واقع نوعی واکنش انتقادی نسبت به مشی و رویه تفسیری عالمان مسلمان بود.

این محقق و پژوهشگر تصریح کرد: چالش‌هایی که توسط این دسته از روشنفکران دینی با تمسک به مباحث هرمنوتیکی در جامعه فکری ما مطرح شد، گرچه در صورت ظاهر خود چالش و نگرش انتقادی به مشی و رویه و رویکرد تفسیری عالمان مسلمان بود، اما خود فرصت مغتنمی برای متفکرین مسلمان بود تا اولاً با این مباحث به صورت رو در رو درگیر شده و ناگزیر شوند تا نظریه تفسیری ما با عنایت به این چالش‌ها به‌روزتر و منقح‌تر کنند و ارکان آن را به صورتی محکم تبیین کنند.

رئیس دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم افزود: متفکرین مسلمان می‌توانند در پرتو این فرصت، رویکرد این دسته از روشنفکران مسلمان را به چالش بکشند و نقاط ضعف و نارسایی‌های این تلقی و نظریه تفسیری را که این دسته از روشنفکران مسلمان تحت تأثیر مباحث هرمنوتیکی و برخی از مباحث فلسفه علم معاصر ارائه کرده‌اند، آشکار کنند.

وی عنوان کرد: مباحث هرمنوتیک در عین حال که یک سیمای چالشی و تهدیدی نسبت به بن‌مایه‌های فکر دینی دارد، در عین حال فرصتی شد تا در طی دو دهه اخیری که این مباحث پا گرفته و در جامعه ما مطرح شده است، آثار خوب و فراوانی اعم از کتاب و مقاله در این زمینه‌ها نوشته شد و فضای بحث و گفت‌وگوی علمی در سطح بالا و عمیقی ایجاد کرد.

حجت‌الاسلام واعظی در بخش دیگری از سخنان خود در پاسخ به این سؤال که آیا روش‌شناسی فهم و نظریه تفسیری عالمان مسلمان قوام و اتقان لازم برای مواجهه با رویکردهای جدید غربی را دارد؟ گفت: آنچه که به عنوان روش سنتی و متداول فهم و تفسیر متن ارائه می‌شود، اختصاص به دنیای اسلام ندارد و این همان ممشا و رویکرد تفسیری است که در همه سنت‌های فکری، چه در سنت یهودی - مسیحی و چه در دیگر فرهنگ‌ها و سنت‌های فکری و مذهبی وجود داشته است.

نظریه تفسیری سنتی و رایج عالمان اسلام، روش عقلایی فهم متن است که کاملاً قابل دفاع و قابل استدلال است؛ اما رویکردهای جدید روی مبانی معرفتی خاصی که اغلب نسبی‌گرایانه و شکاکانه است، شکل گرفته‌اند

وی اظهار کرد: به تعبیر دیگر این رویکردهای جدید پست‌مدرن که در قرن بیستم به‌تدریج جوانه زد، رویکردی نامتعارف و نوظهور است؛ وگرنه آنچه که رویکرد متداول در نظریه تفسیری عالمان مسلمان را تشکیل می‌دهد، همان چیزی است که اساس و ارکان آن مورد اتفاق جمیع نحله‌ها و رویکردهای فکری و مذهبی دیگر نیز هست.

این محقق و پژوهشگر تصریح کرد: ما معتقدیم که این نظریه تفسیری سنتی و رایج عالمان اسلام، روش عقلایی فهم متن است که کاملاً قابل دفاع و قابل استدلال است؛ اما رویکردهای جدید روی مبانی معرفتی خاصی که اغلب نسبی‌گرایانه و شکاکانه است، شکل گرفته و چون تفکر پست‌مدرن با این رویکردهای شکاکانه و نسبی‌گرایانه درآمیخته، طبعاً در این فضای فکری و فلسفی طرفدارانی یافته است.

وی اضافه کرد: به اعتقاد ما هم مبانی فکری آنها قابل مناقشه است و هم رویکرد تفسیری آنها غیر قابل دفاع و استدلال است و در بخشی از آثاری که در این زمینه نوشته شده (از جمله آثار بنده و به‌ویژه در کتاب «نظریه تفسیر متن«)، از این ضعف‌ها و نارسایی‌ها پرده برداشته شده است.

رئیس دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم تصریح کرد: ما معتقدیم که رویکرد عقلایی و متعارف فهم و تفهیم و تفاهم امهات و ارکان اصلی نظریه تفسیری ما را تأیید می‌کند. بالطبع بی‌توجهی به قصد مؤلف و ارائه قرائت آزاد از متن و بازی آزاد معنایی با متن نمی‌تواند روش عقلایی و متعارف تفهیم و تفاهم باشد.

نویسنده کتاب «نظریه تفسیر متن« با بیان این‌که لزوماً نمی‌توان گفت که این روش اختصاصی دنیای اسلام و یا متأثر از فضای فرهنگ دینی ماست، افزود: به اعتقاد ما نحله‌های «reader-response« مخصوصاً آنهایی که نگاه افراطی به نقش خواننده دارند و به خواننده در فهم متن محوریت می‌دهند، از روش معهود و عقلایی تفهیم و تفاهم فاصله می‌گیرند و فلسفه تکوین زبان و تفهیم و تفاهم عقلایی را به نوعی زیر سؤال می‌برند.